

«سبک زندگی اسلامی» در افق تبیین شده مقام معظم رهبری

یعقوب آقایی نوروزلو^۱

معصومه آقایی نوروزلو

چکیده

این پژوهش در راستای تبیین سبک زندگی اسلامی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری می‌کوشد، اولاً پاسخگوی سولات مطرح شده در حوزه سبک زندگی اسلامی از قبیل، منظور از سبک زندگی اسلامی چیست؟ سبک زندگی کنونی ما تا چه حد اسلامی است؟ نقش و جایگاه ایمان و اعتقاد در سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی کجاست؟ اثر رسانه‌ها بر سبک زندگی کنونی و آسیب شناسی سبک زندگی؟ و سولاتی از این دست که بنابه بیانات مقام معظم رهبری نیاز جامعه امروز ما در مقابله با سبک زندگی آمریکایی و جنگ نرم غربی‌ها می‌باشد پردازد و ثانیاً به تبیین معنا و مفهوم سبک زندگی اسلامی پرداخته و نهایتاً راهکاری برای طرح و اجرای آن عنوان کند. نتیجتاً اینکه سبک زندگی، مقوله‌ای است که کشورهای غربی بطور گسترده روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند که این امر را به وضوح می‌توان در برنامه‌های ماهواره‌ای و حتی در کارتون‌ها و انیمیشن‌هایشان دید در این صورت تنها راه عملی و ممکن بنا به فرمایشات رهبر معظم انقلاب ارائه الگو و سبک زندگی اسلامی می‌باشد که در این زمینه باید از تمام استعداد‌های کشور اعم از اندیشمندان، اساتید دانشگاه و حوزه، دانشجویان و طلاب و رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها استفاده بعمل آید. در این مطالعه سه راهبرد کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت جهت تدوین سبک زندگی اسلامی پیشنهاد شده که این سه راهبرد در طول هم هستند و نتیجه هر راهبرد یک الگو از سبک زندگی اسلامی است که در هر مرحله پخته‌تر شده و معایب آن برطرف می‌گردد تا بتوان یک سبک زندگی اسلامی جهان شمول را که نه-تنها به جامعه ایران، بلکه برای سایر ممالک نیز قابل استفاده باشد را به جهانیان ارائه داد.

کلمات کلیدی: سبک زندگی اسلامی، مقام معظم رهبری، جنگ نرم، قرآن

۱- مقدمه و بیان مسأله

چه ما به دنبال تمدن سازی باشیم و چه نباشیم، حداقل برای حفظ هویت خود باید روش زندگی متناسب با اعتقاداتمان را ارائه دهیم وگرنه آمریکایی شدن دیر یا زود سرنوشت ما هم خواهد بود. فارغ از این که اصطلاح «سبک زندگی» در فرهنگ واژگان آیت الله خامنه‌ای تازگی دارد یا نه، آن چه که در کشور ما از آن به عنوان سبک زندگی یاد می‌کنند، از همان آغاز رهبری ایشان یا حتی قبل تر از آن دغدغه‌ی ایشان بوده است: «بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه‌ی طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیایید یک لباس ملی درست کنیم [...] عرب‌ها لباس ملی خودشان را دارند، هندی‌ها لباس ملی خودشان را دارند، اندونزی‌یایی‌ها لباس ملی خودشان را دارند [...] من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از جوانان استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

بهترین روش برای نیل به این سبک و سیاق زیستن مراجعه به آیات قرآن و روایت است. وقتی آیات قرآن و احکام را کنار یکدیگر می گذاریم، در می یابیم آیات سه دسته هستند که شامل اعتقادات، عبادیات و اخلاقیات می شود. اخلاقیات ثمره دو مورد یاد شده است، بنابراین سبک زندگی اسلامی اعم از ساحت فردی یا جمعی باید این سه حوزه را پوشش دهد چراکه از کنار این سه مورد است که می توان به آرامش، امنیت و رفاه تولید رسید. این گونه دغدغه ها نسبت به «روش زندگی» در اوایل رهبری آیت الله خامنه ای بیشتر از پیش نمایان گشت. نگاهی گذرا به نام گذاری سال ها در دهه ی هفتاد شمسی نشان می دهد که ارتقای فرهنگ عمومی در کشور برای ایشان اهمیتی فوق العاده داشته است. انتخاب نام هایی همچون «وجدان کاری، انضباط اجتماعی»، «انضباط اقتصادی و مالی» و «صرفه جویی» ناظر بر آسیب شناسی جامعه ی آن روز ایران بود؛ آسیب هایی همچون زیاده روی و نابودکردن اموال عمومی و اموال شخصی و نیز ریخت و پاش و اسراف.

در این میان نام هایی مانند «حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف» و «همت مضاعف و کار مضاعف» برای نسل های جوان تر جامعه ی ایرانی آشنا تر است. البته انتخاب نام سال، تنها زمینه ی طرح این بحث برای رهبری نبود، بلکه ایشان در سخنرانی های مختلفی در این سال ها به مسائلی مثل آپارتمان نشینی، معماری، اصلاح موی سر، شیوه ی راه رفتن، کتاب خوانی، الگوی مصرف وسایل زندگی، مد و ... نیز پرداخته اند. و اما چرا سبک زندگی؟ در شرایط حساس کنونی منطقه و جهان و علیرغم همه ی تهدیدها و تحریم های تحمیلی علیه ملت ایران و شرایط اقتصادی و ... چرا رهبر انقلاب این موضوع مهم را متن تمدن سازی نوین اسلامی می دانند؟ چرا ایشان دغدغه ی سبک زندگی را با این کیفیت بیان می کنند؟ برای یافتن پاسخ لازم است که سه وجه این سخنان را بررسی کنیم:

۱- وجه ایجابی: آیت الله خامنه ای در جمع دانشجویان کرمانشاهی هدف اصلی و میانه ی انقلاب اسلامی ایران را «تشکیل جامعه ی اسلامی با همه ی خصوصیات و شاخص هایش» عنوان کردند؛ جامعه ای که قرار است الگویی را سر دست بگیرد و در این آشفته بازار بین المللی و منطقه ای به همگان نشان دهد.

به نظر می رسد که در عمر بیش از سی سال انقلاب اسلامی ایران و با وجود همه ی سختی ها و فشارها، ایران اسلامی توانسته است ساختار و چهارچوب خوبی را برای پیشرفت خود بسازد. در زمینه ی سیاسی ما اکنون به ثبات و اقتدار سیاسی در داخل و اعتبار اثرگذار در عرصه ی بین الملل رسیده ایم. که پروژه ی «مهار ایران» که با وقوع بیداری اسلامی رنگ و بوی جدیدی یافته، حاکی از این امر دارد. در عرصه ی علمی نیز به استناد پایگاه استنادی اسکوپوس در سال ۲۰۱۲ میلادی، حائز رتبه ی نخست در منطقه و شانزدهم در دنیا هستیم. همچنین با توجه به ظرفیت های طبیعی، زیربنایی و انسانی کشورمان، ابزار مناسبی را با توجه به ساخت و اسکلت محکم نظام در اختیار داریم و حال نوبت به طراحی و ساخت بنای مورد نظر است، اما چه بنایی و با چه معماری باید برای این اسکلت طراحی نمود؟ «آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد؛ که همان سبک زندگی است.»

۲- وجه سلبی: ساموئل هانتینگتون در کتاب «چالش های هویت در آمریکا» موفقیت نظام سیاسی آمریکا را در هویت سازی علی رغم حضور افراد متعدد خارجی با رسوم، اعتقادات و فرهنگ های متفاوت و بعضاً متضاد با تمامی جهان خاکی و در یک کلمه «آمریکایی کردن» (Americanization) آنها می داند. به این معنا که ما با دین شما، مذهب شما، رنگ پوست و موی شما کاری نداریم؛ فقط آمریکایی زندگی کنید،

حتی اگر مسلمان هستید. هانتینگتون معتقد است که تداوم جامعه ی آمریکا در پرتو فرآیند آمریکایی کردن ممکن می شود؛ با این استراتژی که در مدل مرکز-پیرامون یا شمال-جنوب و برای افزایش حداکثری عمق استراتژیک آمریکا باید وارد زندگی پیرامونی ها و جنوبی ها نیز بشود.

تفکیک سبک زندگی از اعتقادات و دین (به عبارتی سکولاریزه کردن سبک زندگی) مهم ترین دستاورد نظام سلطه بوده که مرزهای آن به جامعه آمریکایی محدود نمی شود. با این منطبق بوده که «فرهنگ مهاجم» غرب خود را تبدیل به «فرهنگ غالب» کرده است. وقتی انسان های بسیاری در خارج از مرزهای آمریکا، آمریکایی زندگی می کنند، ایالات متحده می تواند به عنوان عمق استراتژیک خود روی آن ها حساب کند. موفقیتی که آمریکایی ها نتوانستند با قدرت نظامی و سیاسی خود به آن دست یابند، با آمریکایی کردن زندگی بسیاری از مردمان جهان برایشان فراهم آمده است. در این زمینه جوزف نای، نظریه پرداز «قدرت نرم» معتقد است که آمریکا در دیپلماسی عمومی خود با دو بازوی رسانه ای و آموزشی، رؤیایها و انتخاب های جهانیان را می سازد. بنابراین چه ما به دنبال تمدن سازی باشیم و چه نباشیم، حداقل برای حفظ هویت خود باید روش زندگی متناسب با اعتقاداتمان را ارائه دهیم وگرنه آمریکایی شدن دیر یا زود سرنوشت ما هم خواهد بود.

۳- وجه آسیب شناختی: نگاه آسیب شناسانه به وضعیت فرهنگی و به خصوص سبک زندگی کنونی ایرانیان، ما را وامی دارد تا مشکلات فرهنگی خود را تنها ناشی از تهاجم فرهنگی نظام سلطه نبینیم، مشکلات جامعه را باید به درستی شناسایی کرد و مجرای اصلاح آن را نیز روشن نمود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب، ایشان، مفهوم پیشرفت را تداعی کننده حرکت، راه و سیوروت دانستند و افزودند: در هر برداشتی (چه مادی و چه معنوی) از مفهوم توقف ناپذیر پیشرفت، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن اهمیت فراوانی دارد. ایشان برای تبیین بیشتر اهمیت سبک زندگی به تشریح جایگاه آن در تمدن نوین اسلامی پرداختند و افزودند: اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری - و «حقیقی و اساسی» خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می دهد و تحقق هر دو بخش تمدن نوین اسلامی ضروری است و بخش ابزاری، یا سخت افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نموده های پیشرفت مطرح می شود از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و نظائر آن. همچنین ایشان، خاطر نشان کردند: در این زمینه البته پیشرفتهای خوبی داشته ایم اما باید توجه کرد که این پیشرفتهای، وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم افزاری تمدن اسلامی یعنی سبک و شیوه زندگی. رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند. فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی در زمینه سبک زندگی و اندیشه تمدن سازی اسلامی با دیدگاه جهانی سازی ما را بر آن می- دارد تا با تعمق هر چه بیشتر به مسئله سبک زندگی توجه کنیم. باور ما این است که اسلام همه نیازهای انسان را در نظر دارد تلاش در همه ابعاد از جمله فقه، حقوق در بحث اخلاق اسلامی و به خصوص در سلوک عملی، محورهای مهم و راهگشایی در معارف دینی بیان شده است با توجه به فرمایشات پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - نقش الگوهای رفتاری در زندگی آدمی نقش محوری است و ما باید بر الگو گیری از

شخصیت و سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) تکیه و تاکید داشته باشیم باید متوجه باشیم غفلت از این باور سبب می شود یک سبک زندگی تحمیلی را بپذیریم و مقهور سبک زندگی ای که با دین میانه ای ندارد شویم. متأسفانه جلوه‌هایی از این سبک زندگی را در جامعه دینی خود شاهد هستیم، از این رو هشدار مقام معظم رهبری را باید جدی گرفت و نسبت به باز شناخت سبک زندگی اسلامی و ارائه آن به مردم کوشید. اما آنچه در این بررسی به آن پرداخته شده گذریست در پاسخ به این سوالات که منظور از سبک زندگی اسلامی چیست؟ سبک زندگی کنونی ما تا چه حد اسلامی است؟ نقش و جایگاه ایمان و اعتقاد در سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی کجاست؟ عوامل موثر بر چگونگی شکل گیری سبک و شیوه زندگی کدامند؟ اثر رسانه‌ها بر سبک زندگی کنونی و آسیب شناسی آن؟ بررسی سبک زندگی پیامبر اکرم (ص)؟ و سوالاتی از این دست که بنابه بیانات مقام معظم رهبری نیاز جامعه امروز ما در مقابله با سبک زندگی آمریکایی و جنگ نرم غربی‌ها می‌باشد.

۲- تعریف سبک زندگی

سبک زندگی (به انگلیسی: Life Style) (به عربی: السنه) برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می‌شود. سبک های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمیگیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها همه و همه تصویرها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. سبک زندگی فرد، اجزای رفتار شخصی او نیست، لذا غیر معمول نیستند. بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی‌شان را آزادانه انتخاب کنند. (خوشنویس، ۱۳۸۸). در تعریفی ساده و کلی می‌توان سبک زندگی را «شیوه زندگی» یا به نحو دقیق تر الگوها و شیوه‌های «زندگی روزمره» تعریف کرد که نه تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خو کرده، یا عملاً با آن‌ها سر و کار دارد می‌شود. بنابراین سبک زندگی به خانه و اثاثیه محدود نمی‌شود و تمام چیزها مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف و لباس را در بر می‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان بینی فرد و گروهی که عضو آن است را منعکس می‌کند (Thyre C.Uth ۱۹۹۶:۳). سبک زندگی بخشی از زندگی است که عملاً در حال تحقق یافتن است و در بردارنده طیف کامل فعالیت‌هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می‌دهند و همچنین خصایصی نظیر داشتن سبک (تمایز بخش، شکل خاص، کیفیت برجسته، مکان یا شخص خاص) درباره آن‌ها صدق می‌کند. طیف فعالیت‌های افراد در هر عرصه، می‌تواند سازنده سبک زندگی آن‌ها در آن عرصه باشد. به همین دلیل می‌توانیم از سبک زندگی در زمینه مصرف مادی، رفتار بهداشتی، مصرف فرهنگی یا رفتار درون منزل سخن بگوییم (رضوان زاده، ۱۳۸۳: ۲۸).

سبک زندگی از منظر قرآن

قرآن در باب معنای زندگی پیشنهادی ارائه می‌دهد که در واقع همان نظریه بی‌پیرایه و تحریف نشده ادیان توحیدی است که بر هدف‌داری کیهان و تقاضای سرشت انسان تکیه دارد. به رغم وسوسه افکنی‌های داخلی و خارجی گذشته و تلاش‌های مستمر، گسترده و پرهزینه جهان شکل گرفته بر اصول روشنگری و رنسانس، دیدگاه قرآن همچنان با صلابت، سلامت و قدرت در سیمای زندگی بخشی از جامعه بشری می‌درخشد و به سایر انسان‌ها نیز نوید آرامش، آسایش و سعادت می‌دهد.

جان هیک، خوش‌بینی کیهانی در اسلام را مستند به این داده‌های قرآنی می‌داند که در اول هر سوره کلمات به نام خدای بخشنده مهربان تکرار شده و نام‌های نود و نه گانه خداوند مشتمل است بر حب، احسان، لطف، رحمت، بخشش، گذشت، جود، شفقت، ولی، غفار، وهاب، رزاق، صبور، کریم، ودود، محیی، عفو، رحیم، هادی و این که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد و اراده او تحقق خواهد یافت، وی درباره امیدآفرینی و قدرت جهت‌دهی و امیدآفرینی اسلام می‌گوید:

«در واقع واقعیت زندگی پس از مرگ و مواجهه با خدای بخشنده اما عادل، عموماً امروز در درون اسلام در قیاس با یهودیت یا مسیحیت که هر دوی آن‌ها عمیقاً از روشنگری اروپایی تأثیر پذیرفته‌اند، نیرومندتر است. اسلام به عنوان چارچوبی برای زندگی، صخره ثبات و استواری و سرچشمه ایمان و اعتماد میلیون‌ها انسان بوده است که اکثراً در آنچه که اکنون جهان سوم نامیده می‌شود زندگی می‌کنند. این ثبات از اطاعت نسبت به قانون الهی ناشی می‌شود که به توصیه نوعی شیوه زندگی کامل می‌پردازد و در همان حال هنگامی که انسان قصور می‌ورزد، در انتظار رحم و شفقت خداوند است. توکل و ایمان به خداوند مردان و زنان را از مصائب زندگی نجات می‌بخشد.» (جان هیک، ۱۳۸۱)

جان هیک در آموزه‌های اصیل ادیان بزرگ جهان نسبت به معنای کل حیات، نوعی همانندی را مشاهده می‌کند و بر این باور است که جهان‌بینی ادیان می‌تواند خاستگاه گرایش‌ها، شیوه زندگی خاص و تعیین هدف شمرده شود. ولی امتیاز اسلام در این است که هم اکنون به صورت عینی و ملموس مشغول ایفای چنین نقشی در زندگی مسلمانان است. چنین مزیتی، ترسیم و تصویر هر چه بهتر نگاه قرآن را در رابطه با معنای زندگی، ضروری نشان می‌دهد تا انسان مسلمان با تقلید از غرب، گرفتار درد بی‌معنایی نگردد (سجادی، ۱۳۹۱).

۳- اسلام و سبک زندگی اسلامی

تعاریفی که در خصوص اسلام ارائه شده عمدتاً تعاریفی است که متکلمان مسلمان از اسلام ارائه داده‌اند. یک متکلم اساساً از یک نگاه درونی به موضوع خویش نظر می‌کند و برخلاف رویکردهای برون دینی که عموماً به دین محقق نظر دارند به دین حق متوجه و متمایل است. از این رو تعریف الهیاتی از دین اصولاً بیش از یک مصداق ندارد و یا حداکثر ادیان هم جوهر و هم ریشه را دربر می‌گیرد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸؛ ۱۲۴). از جمله تعاریف و دسته‌بندی‌هایی که از سوی اندیشمندان مسلمان در رابطه با اسلام و زندگی اسلامی ارائه شده است، می‌توان به دیدگاه ابوحامد غزالی، محمدباقر صدر، مرتضی مطهری و مصباح یزدی اشاره کرد. غزالی دسته‌بندی خود را در کتاب «کیمیای سعادت» و «احیاء علوم الدین» ارائه کرده است. وی می‌گوید عنوان مسلمانان معرف ۴ چیز است: (۱) حقیقت خود را بشناسد، (۲) خدای تعالی را بشناسد، (۳) حقیقت دنیا را بشناسد، (۴) حقیقت آخرت را بشناسد و نیز ارکان معاملات مسلمانان چهار است؛ دو به ظاهر تعلق دارد و دو به باطن؛ آن دو که به ظاهر تعلق دارد: رکن اول گزاردن فرمان حق است که آن را عبادت گویند. رکن دوم نگاه داشتن ادب اندر حرکات و سکنات و معیشت که آن را معاملات گویند، و آن دو که به باطن تعلق دارد یکی پاک کردن دل است از اخلاق ناپسندیده چون خشم و بخل و ریا که این اخلاق را مهلکات و عقبات راه دین گویند. و دیگر رکن، آراستن دل است به اخلاق پسندیده چون صبر و شکر و محبت و... که آن را منجیات گویند، (آرام، ۱۳۱۹، ج ۱؛ ۴). تقسیم بندی دیگر در کتاب «اهداف تربیت از دیدگاه اسلام» ارائه شده است، این تقسیم بندی مطابق روش محمدباقر صدر در کتاب «الفتاوی الواضحه» است. در این تقسیم بندی انسان محور قرار

گرفته است و بر حسب این که طرف رابطه انسان خدا، خود، دیگران یا طبیعت است، به ۴ دسته اصلی تقسیم شده است: رابطه با خدا، رابطه با خود (ابعاد شناختی، ارادی و گرایشی)، رابطه با دیگری (ارتباطات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و رابطه با طبیعت (آذربایجانی، ۱۳۸۷؛ ۶۰). مطهری طبقه بندی مشهوری از تعالیم زندگی اسلامی را که بسیاری از دانشمندان اسلامی مورد استفاده قرار داده اند، می پذیرد «مجموعه تعالیم اسلامی از یک لحاظ سه بخش را تشکیل می دهد: اصول عقاید، اخلاقیات و احکام» (آذربایجانی، ۱۳۸۷؛ ۶۰). مصباح یزدی نیز با محور قرار دادن «الله» در دسته بندی معارف اسلامی، الگوی دیگری را ارائه می کند. در این تقسیم بندی طولی معارف اسلام به مثابه یک چشمه جاری در نظر گرفته می شود که از مرحله ای می گذرد و وارد مرحله دیگر می شود. بر این اساس وی معارف را به ترتیب ذیل تقسیم می کند: خداشناسی، جهان شناسی، انسان شناسی، راه شناسی، راهنماشناسی، قرآن شناسی، اخلاق یا انسان سازی قرآن، برنامه های عبادی، احکام فردی و احکام اجتماعی (مصباح، ۱۳۶۷؛ ۱۷-۲۰).

۴- مقصود از «اسلامی بودن» سبک زندگی چیست؟

پاسخ اجمالی ما به این سؤال این است که در «اسلامی بودن» علی‌الاصول نظر به «آرمان‌ها» و عمدتاً نظر به «واقعیت‌ها» و «اسلامی بودن» سبک زندگی داریم که آن را به اصولی قرآنی و اسلامی مقید و مشروط می‌سازد. به بعضی از این اصول فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

«هُوَ أَنْشَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود: ۶۱) «همو که از زمین پدید آوردتان و در آن شما را به آبادانی واداشت.»

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...» (اعراف: ۳۲) «بگو چه کس زینت خدایی و روزی‌های پاک را که خداوند برای بندگان خود پدید آورده حرام کرده است؟»
«أَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٍ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا...» (حدید: ۲۰) «آگاه باشید که زندگانی دنیا، بی‌گمان، بازی و سرگرمی و زیب و زیور است و فخرفروشی به یکدیگر و افزون‌طلبی در اموال و اولاد، چونان بارانی که (نخست) آنچه می‌رویند برزیرگان را به حیرت افکند، اما زان پس، آن همه پژمرده گردد و زردش بینی و سرانجام خرد و ریزریز شود.»

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فُسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳) «آنک سرای آخرت؛ آن را مخصوص کسانی کرده‌ایم که در زمین نه در پی برتری‌جویی باشند و نه تبه‌کاری؛ و فرجام کار از آن پرهیزگاران است.»

«وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) «و خدا هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۰) «در برابر آنان، هر چه در توان دارید، آماده سازید.»
با اسلامی بودن، ما سبک زندگی را به «احکام اسلامی» و «واجبات و محرمات» مقید می‌سازیم. با اسلامی بودن بر اصولی مانند «نفی استثمار و استعمار انسان‌های دیگر» و «اصرار بر تأمین عدالت» و «نفی نگاه ابزاری و هوسبازانه به زن و تأکید بر تحکیم مبانی خانواده» و بسیاری از اصول و امور دیگر که جهان امروز بدان‌ها سخت محتاج است پای می‌فشریم.

۵- سبک زندگی کنونی ما تا چه حد اسلامی است؟

آسیب شناسی سبک زندگی کنونی ما مقایسه سبک زندگی امروزی ما با گذشته با تاکید بر دو محور امکانات زندگی و روش‌های آموزشی تفاوت بسیار کرده و آسایش و آرامش و نیاز مبتنی بر این نوع سبک زندگی ما بیشتر غربی و برگرفته از فرهنگ غربی است که در رسانه‌ها تبلیغ می‌شود. سبک زندگی، زاویه نگاه ما را تغییر داده است در این نوع سبک زندگی، نیازهای ما پابرجاست منتهی به ولع تبدیل شده است. در این سبک، نیاز به خوردن و آشامیدن هست، منتهی غذاها زود پخته می‌شود، زود خورده می‌شوند و پشت میز و فرمان اتومبیل مصرف می‌شود و نهایت اینکه، چاق می‌شویم. همچون یک سیب زمینی، تماشاگر فیلم‌های تلویزیونی هستیم که انواع مانکن‌ها را در قالب هنرپیشه‌ها نشانمان می‌دهند و دستور می‌دهند که لاغر شویم و بازهم خرج کنیم تا چربی‌های انباشته را با آن همه هزینه که پرداخته‌ایم، آب کنیم. مشکل چیست؟ آیا مشکل مدرنیته است؟ یا ما نتوانسته‌ایم مدرنیته را متناسب با سبک زندگی خودمان تعریف کنیم. نهایت امر همچون سرمایه‌داران عربی می‌شویم که بخاطر کنار گذاشتن سبک زندگی سنتی خودشان از انواع بیماری روانی و جسمانی رنج می‌برند. انواع غذاهای فست فود مصرف می‌کنند و ساعت‌ها پای تلویزیون خویش نشسته و مراسم سنتی و شوهای عربی خویش را تماشا می‌کنند و وضعیتی پیدا می‌کنند که کارگر از دیگر کشورهای خارجی بیاید که برای آنها کار انجام دهد. مشکل در سبک زندگی است. روش زندگی در خانه و جامعه و نظام آموزش ما در گذشته و حال یعنی پیش و پس از پیشرفت‌های صنعتی دگرگون شده است و مابه‌ازای گزاره‌های نیاز، برآورد، آسایش و آرامش، کم و زیاد شده است. وضعیت سبک زندگی ایرانی اسلامی سبک زندگی ایرانی اسلامی در هیچ جای کشور نه نوشته شده و نه هیچ دانشگاهی به تدریس آن می‌پردازد. در جامعه امروز ما، سبک زندگی ایرانی اسلامی که برگرفته از حیات طیبه اسلامی و مبتنی بر توجه به تولید و آسایش همراه با احسان به دیگران - از همسایه گرفته تا هم‌نوع - ترویج هم نمی‌شود. همچنین می‌توان گفت که منبع معتبری از سبک زندگی ایرانی اسلامی که هم بر الگوهای عملی توجه داشته باشد و هم مبانی نظری را موشکافانه طرح کرده باشد، موجود نیست. حال رسانه چگونه می‌تواند به سبک زندگی ایرانی اسلامی بپردازد در حالی که ما به ازای آن در جامعه کاری انجام نشده و حوزه‌های علمیه ما هم به ابعاد اسلامی آن نپرداختند و دانشگاه‌های ما هم به شکل غربی و سبک زندگی مبتنی بر رفاه عام و آرامش و آسایش عمومی مبتنی بر مدرنیسم را پرداخته‌اند. این نوع سبک زندگی، مبتنی بر پیشرفت‌های صنعتی و الکترونیکی و ارتباطی در غرب است که در خود غرب هم فلسفه زندگی آنها را تغییر داده به نوعی که می‌توان گفت که بالارفتن سن ازدواج و عدم تمایل به داشتن همسر و از طرف دیگر گرایش به تنوع طلبی در همه امور از استفاده از وسایل مادی گرفته تا نوع گرایش به ارزش‌های غیر مادی مبتنی بر سبک زندگی غربی است. به گونه‌ای که می‌توان گفت که مدرنیسم نه تنها به تغییرات در اشکال زندگی مادی آنها پرداخته حتی ذائقه فرهنگی آنها را تغییر داده و آنها در موسیقی، در رفاه، در نوع نگاه به دیگران نیز تفاوت‌های اساسی با انسان‌های شرقی پیدا کرده که ریشه در فلسفه آنها به زندگی دارد. نهایت آنکه انقلاب صنعتی و به تبع آن انقلاب در ارتباطات که عصر ارتباطات و اطلاعات را رقم زده است بسیاری از متغیرهای زندگی را تغییر داده و این تغییر باعث دستکاری نوع انسان شده است که سبک زندگی مدرن امروزی که انسان‌ها را کسل، دلمرده و خودشیفته می‌سازد، حاصل مصرف‌گرایی مدرن امروزی است که با اسلام تفاوت فاحش و مغایرت دارد. نقد سبک زندگی کنونی انسان نیازهایی دارد و این نیازها را به گونه‌ای

برآورده می کند و در این میان به آسایش و آرامش نسبی دست می یابد. البته در نگاه دینی، که مبتنی بر شناختی آسمانی و بی خطا از انسان و جهان است، دنیا گذرگاهی آزمودنی و رنج آلود است و همین نگاه است که به ما می آموزد نیازها در حد کمال برآورده نخواهد شد و آسایش و آرامش مطلق نخواهد بود پس مسابقه برای سود بیشتر و رفاه از همان آغاز محکوم به شکست است. نیازهای واقعی انسان برای کارکرد دیگری در نهاد بشری تعبیه شده و برآوردن این نیازها هم روش های خود را دارد. به انسان، عقل هدیه شده تا نیازهایش را خود برطرف کند اما همین عقل می تواند به خطا کشیده شود و به جای برطرف کردن نیازهای واقعی، نیازهای کاذبی را تولید کند و برای برطرف کردن این عطش کاذب، نمک را در قالب آب آرایه کند؛ به نظر می رسد که عطش ما برای خریدن آخرین مدل ها چیست؟ هزینه ای که برای گوشی همراهمان پرداخت می کنیم پاسخ به کدام خواسته واقعی و طبیعی ماست؟ مشکل این است که عقل و علم در راستای جهان بینی منطبق با هدف هوشمندانه جهان پیش روی ما، به کار گرفته نمی شوند و ما در مسیری افتاده ایم که برای خرید آسایش بیشتر، آرامش را می فروشیم و به جای پاسخ دادن به نیازهای طبیعی و واقعی، نیازهای کاذب و سراب تولید می کنیم. با مطالعه سبک زندگی امروز و مقایسه با سبک زندگی دیروز متوجه می شویم سبک زندگی دیروز عیب و نقصی نداشت. رابطه همه گزاره ها در سبک زندگی دیروز هماهنگ و به اندازه بوده است. برای همین بسته به امکانات آن روز، آسایش و آرامش برقرار بود و نیازهای واقعی نیز از راه های طبیعی آن پاسخ داده می شد اما امروز سبک زندگی از تقارن و همگونی خارج شده است. هیچ کس در پی بازگشت به گذشته نیست. کسی نمی خواهد بگوید گذشته بهتر بود. عقب گرد کار عاقلانه ای نیست. اما باید علم و فن آوری را در راستای آموزه های دینی خودمان بکار گیریم. ضعف های خودمان را باید شناسایی کنیم. متأسفانه امروز ابزارها بر ما حکومت می کنند. به جای استفاده درست از پول، پول را می پرستیم و به ابزارها سواری می دهیم. در سبک به هم ریخته زندگی امروز ما، سعادتی در میان نیست پول بیشتر برای خرید بت های تکنولوژی دیگر است. به عبارت دیگر ما تسلیم فرهنگ مصرف غربی شده ایم که در گام اول همگام با دیگر کشورها به مصرفی کردن دیگر کشورهای تولید کننده شرقی از چین تا کره کرده است که با استانداردهای غربی برای مصرف انسان شرقی کالا تولید می کنند. نتیجه آن شد که شکل زندگی غربی بر همه جوامع مشرق زمین - از هندو چین گرفته تا کشورهای اسلامی و آفریقایی و امریکای لاتین - تحمیل شده است. چیزی که به نام الیناسیون فرهنگی در متون فرهنگی بحث های فراوانی شده است. در جامعه ما نیز همه اقشار جامعه به این محصول صنعت فرهنگ روی آورده اند. صنعت فرهنگ به گونه ای خاص توانسته است همه را تحت تاثیر خویش قرار دهد. اقشار پایین جامعه نیز با وسع خودشان آرزوی مصرف کالاهای همین شرکت ها را دارند. تازه شرکت های ما هم برای رفاه بیشتر چاره ای جز قدم گذاشتن در همین مسیر راندارند. پیشنهاد می شود که توجه به نسبت چهارگانه زندگی و براساس فرهنگ خودمان، نیاز، آرامش، آسایش و سعادت چهار محور اصلی توجه به نوع استفاده از یک نوع کالا در هر فرهنگی است. نیاز برگرفته از یک غریزه انسانی است که در نهاد بشر نهاده شده و شامل نیاز به خوردن، آشامیدن و نیاز به داشتن چیزهای مختلف که به همراه آن جهت رفع این نیاز آرامش و آسایش قابل طرح است. آرامش بعد روانی رفع نیاز و آسایش بعد جسمانی در جهت مصرف کالایی خاص می باشد. نهایت اینکه سعادت هنگامی طرح می شود که رفع نیاز زمینه برآوردن سعادت خاصی را برای بشر و انسان امروز فراهم سازد. در برخی از فرهنگها سعادت همان کسب بالاترین لذت و کامجویی است و در برخی فرهنگها معنای دیگر و اخروی پیدا می کند. ما باید سبک زندگی را با

شرایط امروز تعریف کنیم. تعریفی که با استناد به معارف ناب آسمانی تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی باشد و از سویی نسبت آرامش و آسایش را هم به هم نریزد و نیاز کاذب ایجاد نکند و نیازهای واقعی را برآورده سازد (باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۱).

۶- بررسی تاثیر برنامه های تلویزیونی بر سبک زندگی

عصر کنونی را بسیاری عصر انقلاب اطلاعات و ارتباطات نامیده اند عصری که در واقع می توان گفت وسایل ارتباط جمعی پیچیده ترین ابزار القای اندیشه ها و کار آمد ترین سلاح ها برای تسخیر آرام جوامع هستند. در چند دهه اخیر با توجه به سرعت سرسام آور پیشرفت و رشد تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، هر روزه بر پیچیدگی و کارآمدی این ابزار و وسایل در جهان افزوده می شود. گستردگی و پیچیدگی جامعه انسانی در عصر کنونی، وجود رسانه های جمعی را در صحنه مناسبات اجتماعی انسانها امری اجتناب ناپذیر نموده است. تصویری که از حقیقت در ذهن خود می سازیم نمادی از ادراک و برداشت ما از واقعیت محسوس و ملموس زندگی است (شاه محمدی، ۱۳۸۵). اگرچه پیش از این انسانها در ارتباطی رو در رو با یکدیگر بوده اند و رونق و ترویج روش های زندگی از طریق همین ارتباطات رو در رو و با روندی بسیار کند و ضعیف همراه بوده است، ولی کن با توجه به فن آوری های (تکنولوژی) امروزی، می توان به جرئت بیان نمود که قدرت ما فوق تکنولوژی به جایی رسیده است که جوامع بشری بصورت آن لاین با هم در ارتباط بوده و همین باعث شده است تا سبک ها و روش های زندگی جدیدی در سطح دنیا در حال چرخش و تغییر باشد. امروزه با پیشرفت ارتباطات جوامع دستخوش تغییرات بسیاری شده اند. رسانه های همگانی مانند تلویزیون و ماهواره در سطح جامعه جایگاهی را اشغال کرده اند که از آن جایگاه بطور فزاینده چه در سطح ملی و بین المللی مطرح شده اند. از آنجا که فرهنگ از طریق رسانه های جمعی جریان می یابد، اشکال متفاوت زندگی توسعه می یابند (خوشنویس، ۱۳۸۸).

۷- آسیب شناسی "سبک زندگی" در فضای کنونی کشور

پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی. اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری «حقیقی و اساسی» و سخت افزاری خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می دهد. حضرت آیت الله خامنه ای، تحقق هر دو بخش تمدن نوین اسلامی را ضروری خواندند و افزودند: بخش ابزاری، یا سخت افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نمودهای پیشرفت مطرح می شود از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و نظایر آن. رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱).

۸- سبک زندگی کنونی ما در مواجهه با غرب مدرن از دیدگاه رهبر انقلاب

غرب فرهنگی و فلسفی با تفکری که در آن انسان می‌خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریح ظاهر شود و می‌بایست همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد، پدید آمد. غرب آن چنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده‌اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای انسان رقم بزند. امثال نیچه، هایدگر، هانری کرین، رنه گنون، شوان و فوکو هر کدام به نحوی به این تعارض اشاره داشته‌اند. از آن جا که جامعه ایران یک جامعه دین دار، دین محور و خدامحور است و در آن پایبندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می‌شود با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه یافته است. عده‌ای که به جریان روشنفکری غیر دینی شهرت یافته‌اند با نام پیشرفت و توسعه و نفی عقب ماندگی تاریخی سعی در القای اندیشه‌های غربی و تجدد حاصل از رشد و گسترش بینش غربی بودند. عده‌ای دیگر کوشیدند راه‌های میانه را مطرح کنند و عده‌ای دیگر به نفی مدرنیته و نقد آن روی آوردند. البته هیچ کدام از ایشان به راهکار و راهبردی در خور برای این دوران گذار، دست نیافتند و به مقام پرسش و انتقاد اکتفا کردند. تاریخ و سنت اسلامی ایرانی ما سودایی دیگر و نگاهی متفاوت و معترض نسبت به غرب دارد. مشکل این است که در عصر حاضر، تاریخ غربی تمام تاریخ بشر را پوشانده و در همه جا درباره گذشته بشر به طور کلی با موازین غربی حکم می‌شود. متأسفانه جامعه ایرانی علی‌رغم مقاومتهای آگاهانه روحانیت اصیل و مردم دین مدار با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالبهای سبک زندگی دینی اش وداع کرد و عرصه را برای غرب زدگی فراهم نمود که منجر به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم، علم و دین و دینداری گشت. باید این نظریه انتقادی رهبر شجاع انقلاب را درک کنیم که مواجهه تمدن ایرانی اسلامی با فرهنگ و تمدن غرب که امروزه بر تمام جهان سیطره یافته است، سبب تحولات بسیاری در تمام شئون جامعه ایرانی شد و «چرا»هایی که ایشان مطرح می‌کنند نیاز به ریشه‌یابی معرفتی دارد. ایرانیان همان طور که در برخی هویت و ارزش‌ها، دچار بحران شده‌اند، در سبک زندگی نیز در ۱۰۰ ساله اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدد آمرانه اش، دچار تشتت بسیار در نگرش‌ها و گرایش‌ها، آداب و رسوم، نظامات و سنن اجتماعی، باورها و حتی باورهای دینی خود گشته و سبک زندگی اسلامی ایرانی دچار تضادها و تناقض‌های بسیار شده است، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه مدرن ساخته است که نه می‌توان آن را سنتی و اسلامی نامید و نه می‌توان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این تذبذب هویتی نگران بود. نگرانی در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل درک است. رهبر انقلاب اسلامی می‌کوشند تا این فرضیه کلان را اثبات نمایند که زیستن ایرانی در زمانه کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی غربی و اسلامی است. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

۹- سبک زندگی پیامبر اسلام (ص)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شخصیت کامل و جامعی است، سیره اخلاقی پیامبر و شخصیت ایشان مانند دین اسلام، جامع و همه جانبه است و در واقع وقتی از جامعیت اسلام سخن می‌گوییم این نگاه جامع را

هم می‌توانیم در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) ببینیم، جامعیت در شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) موج می‌زد به تعبیر علامه شهید مطهری (ره): "تاریخ هرگز شخصیتی مانند او را یاد ندارد که در همه ابعاد انسانی در حد کمال و تمام بوده باشد. او به راستی انسان کامل بود (مجموعه آثار استاد شهید مطهری). پیامبر در مسائل شخصی اهل نرمش و مدارا بود و در مسائل اصولی صلابت ویژه ای داشت، هم مردجنگ بود و هم مرد معنویت، هم مرد عبادت و پارسایی بود و هم مرد سیاست، متهور در جنگ بود و آرامش و صفای معنوی در او موج می‌زد، از افراط و تفریط دور بود، در عین اینکه مردم را از بنده شکم بودن دور می‌کرد، اجازه نمی‌داد راه راهبان را پیش بگیرند، بوی خوش، نماز و شب زنده داری، لذت حلال، گرسنگی و تواضع، سادگی را دوست داشت و در مقابل آن تکبر، شرک، اشرافیت و تملق و چاپلوسی را دشمن می‌شمرد. توجه به این نکات، زندگی ساز است. سخن از سبک زندگی یعنی توجه به این ابعاد جامع. اینجاست که انسان می‌تواند با اقتدا به پیامبر اکرم زندگی زیبایی را برای خود ترسیم کند. پیامبر در عین سادگی طرفدار فقر نبود، مال و ثروت را به سود جامعه می‌دانست و آن را در صرف راه‌های مشروع لازم می‌دانست، مرحوم فیض در محجة البیضاء ج ۶ ص ۴۴ به این مطلب حضرت اشاره دارد که ایشان می‌فرمود: «ثروتی که از راه مشروع بدست آید، چه نیکوست، برای آدمی که شایسته داشتن ثروت باشد و بداند چگونه این ثروت را صرف کند. با این فرهنگ و سبک زیبای زندگی، می‌توانیم زندگی خود را سامان دهیم و این سبک مدلی است قابل ارائه برای پیروان محمد صلی الله علیه و آله و سلم گرچه پیروان ادیان دیگر باشند. جوهر وجود آدمی با تلاش و کار جلوه گر می‌شود، اسلام از انسان می‌خواهد که در آبادانی و عمران زمین همت کند و به عنوان عضوی از جامعه برای زندگی خوب و آبرومند نقش ایفا کند، کار کند و سهمی در سازندگی و تولید داشته باشد و کسی که در تولید و سازندگی سهمی داشته باشد، طبیعتاً به یک در آمد مشروعی هم می‌رسد. از این رو امروزه کار، نقش مهمی در سبک زندگی و عقل معاش ایفا می‌کند.

در حدیثی از رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه واله) نقل شده است: "الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ، مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۲ باب ۳ "عبادت هفتاد جز دارد که بهترین آن کسب حلال است و این نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نسبت به کار و تلاش می‌تواند برای جوانان ما الهام بخش است، نقل است که شخصی نزد پیامبر آمد و این جوان از اول صبح تا به شب مشغول کار و سازندگی بود و اطرافیان پیامبر به کنایه گفتند: این جوان اگر نیروی خودش را در جهت عبادت خدا به کار می‌برد شایسته مدح و ستایش بود و خواستند به گونه ای او را مذمت کنند. پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: این سخن را نگویند، اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند تا در زندگی محتاج دیگران و مردم نباشد با این عمل در راه خدا قدم برداشته است، و اگر کار می‌کند تا زندگی والدین ضعیفش و فرزندان و عائله اش را بدهد و از مردم بی نیاز کند باز هم برای خداست، اما اگر کار می‌کند تا با در آمد خود بر تهی دستان مباحث کند و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید از صراط حق منحرف شده است. (فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۰).

۱۰- نکاتی در رابطه با اهمیت کار در سبک زندگی پیامبر (صلی الله علیه واله)

۱۰-۱- انضباط کاری:

انسان در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد. هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهیم

۱۰-۲- تناسب نوع کار با استعداد آدمی:

استعداد فرد با نوع کاری که دارد باید تناسب داشته باشد در جوامع حدیثی ما از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نقل شده است: "كُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ، بحار الأنوار ج ۴، ص: ۲۸۲" همه شما کار کنید، اما متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده است که آن کار را بهتر و با سهولت انجام می دهد.

۱۰-۳- پرهیز از بطالت و بیکاری:

از بطالت و بیکاری دوری کنیم، پیامبر بشدت از تنبلی و بی کاری متنفر بودند می فرمودند: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۱، ص: ۳۳۵" خدایا از تنبلی و کسالت به تو پناه می برم. باور ما این است که تنبل در رسیدن به آرزوها ناکام می شود، کاهلی به نوعی مردن پیش از وقت است، آفاتی مانند دلسردی، ملولی و تباهی و نیازمندی را به دنبال دارد. اندیشه یک انسان بیکار کارگاه شیطان می شود، در نزد خدا انسانی که اساس زندگی را بر بیکاری می گذراند، جایگاهی ندارد، پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: ان الله يبغض شاب الفارغ، خدا جوان بیکار کاهل را دوست ندارد. در جامع الاخبار ص ۳۹۰ آمده است: روزی پیامبر (صلی الله علیه واله) یکی از یاران خود را دید و سئوالاتی کرد و جواب داد و پیامبر (صلی الله علیه واله) گفتند: شغلت چیست: گفت بیکارم حضرت فرمودند: «سقط عن عینی» از چشمم افتادی. لذا انسان در کار و تولید باید نقش موثری را ایفا کند و نقش آفرینی موثر یک فرد می تواند عقل معاشش را سامان دهد و عملاً در این زمینه می توانیم به سبک زندگی ارائه شده از سبک زندگی پیامبر (صلی الله علیه واله) تکیه کنیم.

۱۰-۴- در سبک زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) مصرف و لزوم توازن آن با درآمد چگونه بیان شده است؟

اگر فردی بین درآمد و مصرفش توازن ایجاد کند در زندگی تنگ دست نمی شود، ولخرجی نمی کند، با حساب خرج می کند، از قیمت ها با خبر می شود به راحتی فریب نمی خورد، اهل چانه زدن است. با این توضیح می توان گفت: عقل معاش یعنی توانایی مصرف معقول، لذا اگر توانایی کسب در آمد و توانایی مصرف معقول در کنار هم قرار بگیرد می شود عقل معاش. کسی که بتواند در آمد و خرج را مطابق دخل خود قرار دهد و در مصرف، اسراف و ولخرجی نکند یعنی اقتصاد و تقدیر معیشت دارد. و این تقدیر معیشت و رعایت عقل معاش جزوی از کمال انسان تلقی شده است "الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ، کافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۳۲". نهایت کمال انسان دانشمند شدن در دین، صبر بر بلاها و اقتصاد در زندگی است.

نکته مهمی در فرمایشات رهبری در بجنورد در خصوص سبک زندگی وجود داشت که اساس تمدن غرب بر مصرف‌گرایی است، غرب در صدد است با تولیدات متنوع بر مصرف‌گرایی بی اندازه تاکید کند. گسترش مصرف‌گرایی زمینه ساز انواع لغزش‌ها و فخر فروشی‌ها و تباهی‌ها و ناهنجاری‌هاست و عملاً همه در یک مسابقه باطل قرار می‌گیرند، در حالی که پیامبر اکرم در میانه روی در مصرف تاکید داشت و از تقدیر معیشت بحث می‌فرمود، مصرف در زندگی باید محصول یک برنامه‌ریزی دقیق باشد. عقل معاش با مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی هرگز تناسب ندارد و کسی که می‌خواهد به زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اقتدا کند نباید در زندگی او مصرف‌گرایی و تجمل پرستی وجود داشته باشد.

در سبک زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، باید مصرف با حفظ کرامت انسانی و حفظ عزت جامعه انسانی برقرار باشد. اگر مصرف‌گرایی تناسب با درآمد نداشته باشد، یقیناً با عزت‌مان در تضاد خواهد بود در حالی که در اسلام دست دراز کردن نزد دیگری موجب خواری انسان است. اگر من درآمدی ندارم برای نو کردن زندگی مجبور به قرض می‌شوم و این لوکس‌گرایی همراه با بدهی‌ها و قرض‌های متعدد، با عزت انسان تناسب ندارد. پیامبر فرمودند: "ما عال امروء قط علی اقتصاد" هیچ کس با میانه روی گرفتار فقر نمی‌شود (تحف العقول، ص ۶۰) در تعبیر دیگری میانه روی در مصرف را نجات بخش دانستند. در حدیثی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده است سه چیز را نجات بخش می‌دانستند که یکی از آنها "الْفَصْدُ فِي الْعِنَى وَالْفَقْرُ، المحاسن، ج ۱، ص: ۳" رعایت اعتدال در حالت توانگری و فقر نجات بخش است (پایگاه اطلاع رسانی هشترود روی خط، ۱۳۹۱).

۱۱- نتیجه گیری

سبک زندگی، مقوله‌ای اجتماعی است که در همه انسانها از هنگام تولد، با توجه به اینکه در کجای زمین به دنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، شروع می‌شود؛ بنابراین، مقوله‌ای است که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه‌شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و ... ندارد. بنابر این با توجه به ظرفیت‌های علمی و نیروی انسانی جوان و پویای موجود در کشور عزیزمان ایران و با توجه به هجوم فرهنگ‌های بیگانه غربی و سبک‌های زندگی نامتعادل و بویژه سبک زندگی آمریکایی تدوین و ارائه یک الگو و یک سبک زندگی اسلامی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است فلذا تنها اقدام عملی ممکن و لازم برای جلوگیری از امریکایی شدن سبک زندگی و غرب زدگی آن تدوین الگو و سبک زندگی متناسب با جامعه امروزی کشور است که تا حد زیادی در دام غرب زدگی و تجددگرایی گرفتار آمده که نشان دهنده عدم فرهنگ سازی در کشور و نیز موفقیت برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای در ترویج زندگی آرمانی غربی-آمریکایی می‌باشد و از طرفی رسانه ملی و تولیدات رسانه‌ای داخلی نیز نه تنها مبنا و چهارچوب مشخصی در شناساندن سبک زندگی اسلامی متناسب با جامعه کنونی را نداشته- اند بلکه آنچه در بسیاری از فیلم‌های (تولید داخلی و خارجی) پخش شده توسط این نهاد داخلی به چشم می-خورد ترویج زندگی غربی می‌باشد که این امر نشان دهنده پیشروی دشمن و جبهه گیری آن در خانه های تک تک افراد دارد که بطور گسترده با رسانه‌ها در ارتباط هستند و این یعنی جنگ نرم، یعنی حکومت بر افکار که غربی‌ها به دنبال آن هستند و نابود کردن ملتی که با سلاح‌های کشتار جمعی نیز نتوانستند بر آن فایق آیند. باز تعریف سبک زندگی امروز، گذران زندگی را آسان تر خواهد کرد و نظام آموزشی ما را کار آمد

خواهد ساخت. هدف از زندگی و دانش اندوزی را روشن خواهد ساخت و هیچ کس کار بیهوده و رنج بی گنج نخواهد داشت. ترویج و آموزش سبک زندگی اسلامی، که این نوع سبک زندگی می بایست متأثر از آموخته های دینی خود ما باشد که می توان در قالب حیات طیبه اسلامی آن را طرح کرد. هدف بحث و بررسی پیرامون سبک زندگی اسلامی توجه به الگوهای صحیح زندگی و کشف هویت تاریخی - معرفتی عمیق در استفاده از کالاهای مدرن امروزی و داشتن دین عقلانی به نام اسلام در سبک زندگی ایرانیان و همچنین برای غالب کشورهای اسلامی است. متأسفانه ما نه این هستیم و نه آن و نه به دنبال این هستیم که بفهمیم که کدام هستیم تعیین نسبت اسلامی بودن سبک زندگی ایرانی و در یک جمله ایران آن است که تاریخ و تمدن ایرانی یک بستر مناسب است که ما با مبنای شریعت به شعار « نه شرقی ، نه غربی ؛ جمهوری اسلامی » ، جامه عمل ببوشانیم و حرفی نو بزنیم که البته فقط شعار نباشد و به گونه ای عمل کنیم که در شرق و غرب بی نظیر باشد و البته عقلانی تر، همچنین یافتن یک نقطه شروع جهت تغییر سبک نسبتاً غربی کنونی ، خصوصاً برای ایران و سپس کشورهای اسلامی الزامی است. بنابراین سبک زندگی کنونی کشور نیازمند یک جراحی است تا بتوان غده شوم غرب گرایی را خاج و جنبه اسلامی زندگی را تقویت کرد که این امر نیازمند انجام برنامه ریزی های کلان و تخصصی در سطوح مختلف سنی جامعه، استفاده از رسانه ملی بمنظور فرهنگ سازی و ارائه سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی می باشد البته تدوین چنین الگویی در کوتاه مدت است. اما باید توجه داشت که نباید به این برنامه کوتاه مدت اکتفا نمود و باید نسبت به برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت برای دستیابی به الگوی کامل و خالص اسلامی مبادرت ورزید. این الگو و سبک زندگی باید مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول، موضوعات، قوانین و راهبردها باشد تا در ساختاری منطقی، وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه دهد. بنابراین سبک زندگی اسلامی الگویی است مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی. این الگو ثابت و جهان شمول است و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون می باشد. اتصاف سبک زندگی اسلامی به ایرانی بودن به جهت تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران است. نتیجه آنکه سبک زندگی اسلامی به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می پردازد. در این الگوی ، هدفها مشخص می شود اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند که این مسئله، نشان دهنده انعطاف پذیری الگو است که با توجه به موارد ذکر شده اسلامی سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی بیان کننده اهمیت جایگاه اساتید، دانشجویان و طلاب علوم دینی در طرح ریزی وجه اسلامی سبک زندگی می - باشد چراکه این قشر از جامعه بعنوان مغز متفکر و موتور حرکت این الگو محسوب می شوند یعنی در مراحل سه گانه برنامه ریزی های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت این الگو دارای جایگاه خاصی است بدین صورت که در برنامه های کوتاه مدت می توان از ذخایر علمی که تا کنون توسط این قشر از جامعه در کشور فراهم گشته استفاده کرد و با تجمیع پژوهشگران و پژوهش های آنان در زمینه علوم انسانی اسلامی به اسلامی سازی علوم انسانی به مفهوم پیش گفته و تدوین الگوی اسلامی پرداخت و در برنامه های میان مدت با تعریف و برگزاری دوره های دکترا و فوق دکترای پژوهشی برای دانشجویان و طلاب علوم دینی در جهت تعمیق

اسلامی سازی علوم انسانی موجود در برنامه کوتاه مدت و آسیب شناسی پژوهش‌های موجود و تشخیص موضوعاتی که پژوهش در آنها ضعیف یا نادر است، و نهایتاً در برنامه‌های بلند مدت تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی از بین پژوهشگران، در این راهبرد با شناسایی محققان کلیدی در هر رشته به تشکیل گروه‌های پژوهشی در آن زمینه اقدام شود. پس از آن قادر خواهیم بود علوم انسانی اسلامی را براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی تأسیس نماییم. بدین ترتیب در طول برنامه بلند مدت به تعمیق وجه اسلامی تئوری‌ها در علوم انسانی و به موازات آن تعمیق وجه اسلامیت سبک زندگی پرداخته و به تدریج به نتیجه مطلوب دست می‌یابیم. افزون بر این نیروهای علمی و اجرایی لازم برای تحقق سبک زندگی اسلامی تربیت می‌شوند. اما واقعیت‌هایی که باید در سبک زندگی اسلامی مد نظر گرفته شود صرفاً به واقعیت‌های ایران و ایران امروز محدود و منحصر نمی‌شود. باید واقعیت‌های جهان امروز را هم در نظر گرفت. جهانی که در آن سلطه‌گران خود را به انواع سلاح‌های جنگ رسانه‌ای برای تسلط بر افکار ملت‌های ضعیف مجهز کرده‌اند. ما نمی‌توانیم ضعیف باشیم و نباید ضعیف بمانیم. اگر از اصل اصیل قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» که غیرت و حمیت ایرانی بودن نیز قویاً بر آن صحه می‌گذارد غافل شویم و خود را برای دفاع از خود آماده نسازیم، مستکبران و سلطه‌گران ما را نابود خواهند کرد و دیگر ملت مستقلی باقی نخواهد ماند تا بخواهد بر پایه‌ی فرهنگ و هویت ملی خود برای خود الگوی مستقلی از سبک زندگی اختیار کند. در پایان، ذکر این نکته لازم است که تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت براساس این راهبردها و نیز اجرای آنها بدون مشارکت همه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی به ویژه آنان که صلاحیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی را در خود جمع نموده‌اند، و نیز همکاری رسانه‌های جمعی جهت فرهنگ سازی امکان پذیر نیست. لذا لازم است نهادی متکفل این امر شود که توانایی تجمیع همه ذخایر علمی مفید و تقسیم منطقی مسئولیت‌ها را داشته باشد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷). مقیاس سنجش دینداری، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باشگاه خبرنگاران (<http://www.hashemnoroozi.blogfa.com/post/12>)
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (www.khamenei.ir).
- پایگاه اطلاع رسانی هشترود روی خط (<http://peykehashtroud.ir>).
- خوشنویس، ناهید. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر برنامه‌های تلویزیونی بر سبک زندگی. ماهنامه علمی / تخصصی انجمن روابط عمومی ایران شماره ۶۹.
- رضوان‌زاده، نورالدین (۱۳۸۳). بررسی تأثیر ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی. پایان نامه دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سجادی، سید ابراهیم. (۱۳۹۱). سبک زندگی از منظر قرآن. ماهنامه قرآنی ترنم وحی، شماره ۱۵.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸). تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دینداری، تحقیقات. فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷). معارف قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- هیگ، جان. (۱۳۸۱). بُعد پنجم، ترجمه بهزاد سالکی، قصیده سرا، چاپ اول.
- Thyra C. (1996), "Definition of Life Style and its Application to Travel Behavior", Department of Marketing at the Aarhus V, Denmark.